

بازنمود جلوه‌های اساطیری پری در سینما براساس نظریهٔ زیرمتنیت (بررسی موردی: مجموعهٔ تلویزیونی «آب پریا»*)

حامد نوروزی^{۱*}، زهرا رضائی^۲، ابراهیم محمد^۳

^۱دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
^۲کارشناسی ارشد رشته ادبیات و روایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
^۳دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۳/۱۳)



چکیده

«آب پریا» سریالی است بر پایهٔ مضامین اساطیری و افسان‌های که با تکیه بر نقش «پری» و تعامل آن با «انسان»، وضعیت نامناسب طبیعت ایران را می‌کاود. این پژوهش به بررسی تحولاتی پرداخته است که در روند تبدیل پدیدهٔ اسطوره‌ای پری به تصویری سینمایی و در نتیجه تغییر خویشکاری‌های آن رخ می‌دهد. برای نیل به این هدف از نظریهٔ زیرمتنیت ژنت استفاده شده و تراگونگی‌ها (سبکی و مضمونی)، تقلیل‌ها و تشدیدهای زیرمتن (اساطیر و افسانه‌های مرتبط با پریان) نسبت به زیرمتن (تصویر پریان در سریال) مورد سنجش قرار گرفته است. با این هدف، فیلمنامهٔ سریال با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. در نهایت، روشن شد که مهم‌ترین شخصیت این سریال، آب پری، همچنان نمودی اساطیری و سه پری دیگر بیشتر نمودی افسانه‌ای یافته‌اند. تراگونگی سبکی تحت تأثیر تغییر رسانه یا مدیا بوده است؛ اما تراگونگی مضمونی بیشتر در راستای تحول شخصیت پری و تعامل او با انسان رخ داده است. تقلیل‌ها در زمینهٔ اساطیر آفرینش و نزول درجهٔ ایزدان و امشاسپندان بوده است که در قالب پریان نمودار می‌گردند؛ اما تشدیدها بیشتر در راستای هدف سریال (تأکید بر اهمیت حفظ محیط زیست و به ویژه آب) و با افزودن شخصیت‌های مرتبط با طبیعت انجام شده است.

واژه‌های کلیدی

پری، سریال آب پریا، تراگونگی سبکی، تراگونگی مضمونی، تقلیل، تشدید.

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نگارندهٔ دوم تحت عنوان: «بررسی بازتاب اسطوره و افسانه در سریال آب پریا» است که به راهنمایی نگارندهٔ اول و مشاوره نگارندهٔ سوم به انجام رسیده است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۶۴۹۲۲۹۳، نامبر: ۰۵۶-۶۴۹۲۲۹۳، E-mail: hd_noruzi@birjand.ac.ir

مقدمه

اسطوره یکی از مفاهیم بسیار پیچیده است که با علوم مختلف انسانی از جمله زبان، ادبیات، تاریخ و جز آن، ارتباط دارد. وجوه مختلف معنایی و واژگانی این مفهوم در واژه‌هایی نظیر *historia* در یونانی (به معنی جستجو و آگاهی)، *story* در انگلیسی (به معنی حکایت، داستان، قصه تاریخی) و *history* به معنای تاریخ، روایت، گرایش و جز آن دیده می‌شود (امینی، ۱۳۹۰، ۱۵). میرچا الیاده اسطوره را بدین شکل تعریف می‌کند: «اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، رخ داده است» (الیاده، ۱۳۶۲، ۱۴). یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در اسطوره، طبیعت و تفکر در امور طبیعی بود؛ چراکه انسان ابتدایی برای به‌دست آوردن خواسته‌ها و آرزوهای خود به طبیعت می‌نگریست و راه دستیابی به این آرزوها را در آنها می‌دید و برای هر کدام از اجزای طبیعت با توجه به اثراتی که داشتند چه خیر و چه شر، ایزد یا دیوی در نظر می‌گرفت. یکی از شخصیت‌های اساطیری مرتبط با طبیعت در فرهنگ هند و اروپایی «پری» است. «واژه پری در زبان فارسی بازمانده کلمه اوستایی *parika* است که در پهلوی به صورت *parik* باقی مانده است» (سرکاراتی، ۱۳۷۸، ۲). پری گرچه موجودی اساطیری محسوب می‌شود؛ اما به دلایل مختلف هنوز در زندگی انسان کاربرد دارد و جلوه‌های مختلف حضور آن، در زندگی روزمره انسان‌ها به چشم می‌خورد. همانگونه که آلن سگال بیان می‌کند، شخصیت‌های اسطوره‌ای خدایان، نیمه خدایان، انسان‌ها و گاهی حیوانات هستند و زمان آن نیز گذشته، حال یا آینده است (آلن سگال، ۱۳۸۹، ۱۸-۲۱). اسطوره امروزه، به صورت شفاهی، مکتوب، سینمایی و... به زندگی انسان راه یافته است و به حیات خود ادامه می‌دهد. یکی از کارکردهای

پری اساطیری در زندگی امروز، ظهور او در صفحه سینما و تلویزیون است. سریال آب‌پریا، یک مجموعه تلویزیونی است که شخصیت‌های اصلی آن را پریان تشکیل می‌دهند. این مجموعه تلویزیونی در گروه سنی کودک و نوجوان، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مرضیه برومند و نویسندگی گیتی مرتضوی و راضیه برومند در ۱۷ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در نوروز سال ۹۲ ساخته شده است. این سریال، داستانی کمدی-فانتزی دارد و حول محور حوادثی در مورد چهار پری به نام‌های برف‌پری، ابرپری، سبزپری و آب‌پری می‌گردد. هر کدام از این چهار پری نگاهبان قسمتی از طبیعت هستند. برف‌پری، نماینده برف، ابرپری نماینده باران، سبزپری نگاهبان زمین و آب‌پری نیز نگاه دارنده آب بر روی زمین است. در همان اوان داستان آب‌پری به دست دیو خشکسالی به نام اپوش^۱ اسیر می‌شود و سه خواهر دیگر برای آزادی خواهرشان که وجود و بقای کل هستی به او بستگی دارد، طبق وصیت‌نامه مادر بزرگشان به زمین می‌آیند. بر روی زمین با شخصی به نام استاد بهار که آنان را در راه آزادی آب‌پری یاری می‌کند، آشنا می‌شوند. در نهایت با انجام وصایای مادر بزرگ پریان، آب‌پری، آزاد می‌شود. گرچه بنمایه‌ها و شخصیت‌های این مجموعه برگرفته از اساطیر هند و اروپایی هستند؛ اما بی‌تردید در فرایند تبدیل یک اسطوره به مجموعه تلویزیونی و نمایش آن بر صفحه تلویزیون، تحولات فراوانی در همه ابعاد روایت اصلی صورت می‌گیرد. نگارندگان در این مقاله برآنند که تحولات روایت اساطیری و روایت تصویری و سینمایی پری را براساس یکی از نظریات کاربردی در حوزه ارتباط متون، یعنی زبرمتنیت، که خود نوعی از ترامتنیت محسوب می‌شود بررسی کنند.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش

ژنت، به خصوص گونه زبرمتنیت^۲ (بیش‌متنیت)، نقش چهار پری حاضر در سریال و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود بین پریان اساطیری با پریان حاضر را مورد بررسی قرار دهند. در این راستا، از یکی از نظریات کاربردی در حوزه ارتباط‌های بینامتنی روایت‌های مختلف یک پدیده، یعنی نظریه زبرمتنیت ژنت که یکی از گونه‌های ترامتنیت محسوب می‌شود، بهره برده‌اند.

پژوهش حاضر حول دو پرسش اصلی شکل گرفته است: چه ارتباطی میان روایت جدید سینمایی پری و صورت اساطیری آن وجود دارد و اصولاً با چه هدفی در این سریال از پری به‌عنوان شخصیت‌های اصلی استفاده شده است؟ با انجام پژوهش حاضر پاسخ این پرسش‌ها بدین شرح به‌دست آمده است: در روایت اساطیری، پری شخصیتی منفی و از بوده‌های اهریمنی و در روایت سینمایی، برخلاف روایت اساطیری، شخصیتی محبوب و مورد پسند واقع شده که برخی از خوبشکاری‌های پری روایت اساطیری را نیز داراست. در این سریال، هر کدام از پری‌ها به جای یکی از ایزدان قرار گرفته‌اند تا طبیعت و به خصوص آب را از نابودی نجات دهند.

روش‌شناسی

پژوهشگران بسیاری تاکنون درباره پری به تحقیق پرداخته‌اند. یکی از مشهورترین پژوهش‌ها درباره پری و چگونگی تغییر آن در طول تاریخ، مقاله‌ای از بهمن سرکاراتی است با عنوان «پری/تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی» که در سال (۱۳۵۰) به چاپ رسیده است. در این مقاله، سرکاراتی برداشت‌های گوناگون پری در پیش از اسلام و پس از اسلام را بررسی کرده است. از جمله دیگر مقالات چاپ شده در رابطه با پری می‌توان به «پریزادگان نباتی» از محمد برفر (۱۳۸۸)، «تفسیر واژه دیو و پری» از ابراهیم میرزای ناظر (۱۳۷۰)؛ همچنین پایان‌نامه مریم عندلیب با عنوان «پری و

برای انجام این پژوهش، سریال آب‌پریا پیاده‌سازی شده است و نگارندگان، تلاش نموده‌اند تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و با روش توصیفی-تحلیلی، براساس نظریه ترامتنیت^۲

تازه‌ای با عنوان ترامنتیت را مطرح می‌کند که تا پیش از این در میان نظریه‌پردازان بینامتنیت مسبوق به سابقه نبوده است و این طرح، تمامی روابط میان‌متنی را زیرمجموعه خود قرار می‌دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ۲۱). در نظریه ترامنتیت ژنت، تأثیرپذیری و ارتباط دو متن با هم بررسی می‌شود و تفاوت بینامتنیت کریستوایی و ترامنتیت ژنتی نیز در همین موضوع است (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۸۵). براساس این نظریه، یک متن با توجه به متن پیشین خود شکل گرفته و از آن تأثیر پذیرفته است و در واقع «هیچ متنی از هیچ، پدید نمی‌آید» (نامور مطلق، ۱۳۹۱، ۱۴۱). ژنت ترامنتیت را به پنج بخش تقسیم می‌کند: ۱. بینامتنیت، ۲. سرمنتیت^۷، ۳. پیرامنتیت^۸، ۴. فرامنتیت^۹، ۵. زیرمنتیت (بیشمنتیت) (آلن، ۱۳۸۰، ۱۵۶-۱۴۷). «معنای آثار زیرمتنی وابسته به دانش خواننده از زیرمتنی است که زیرمتن آن را یا به نحو هزل آمیزی دگرگون کرده یا به جهت اقتباس از آن تقلید می‌کند» (همان، ۱۵۷). که در صورت دگرگون ساختن به آن تراگونگی و در صورت تقلید به آن همانگونگی می‌گویند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۹۶-۹۵). تغییر و دگرگونی متن می‌تواند با شکل‌های مختلفی انجام شود. «متون می‌توانند توسط فرآیندهای خودپیرایی، حذف، تقلیل، تشدید و... دگرگون شوند» (آلن، ۱۳۸۰، ۱۵۷). حذف و تقلیل در سانسورهای زیرمتن نسبت به زیرمتن، و تشدید در تقلیل زیرمتن دیده می‌شوند (همان، ۱۵۷-۱۵۹). اسطوره و سینما، رابطه دوسویه و تنگاتنگی دارند که براین ساس مفاهیم اساطیری زیرمتن و سینما که بر پایه این مفاهیم و مضامین تصویر می‌شود زیرمتن تلقی می‌گردند. سریال آب‌پریا نیز از گونه فیلم‌هایی است که بر مبنای مضامین اساطیری شکل یافته است و در این مقاله، براساس تراگونگی سبکی و مضمونی، تقلیل و تشدید به بررسی زیرمتنیت در متن حاضر پرداخته شده است. منظور از متن حاضر ساختار کنونی شخصیت‌ها و افراد است که در سریال آب‌پریا ظهور پیدا می‌کند و متن پیشین همان روایات و مضامین اساطیری است.

تراگونگی

تراگونگی سبکی

تراگونگی، تغییر و دگرگونی در زیرمتن نسبت به زیرمتن است که می‌تواند در سبک و مضمون دیده شود و در سریال آب‌پریا، بیش از هر چیز، تراگونگی وجود دارد. اسطوره به‌عنوان زیرمتن، ادبیات شفاهی صرف و رسانه آن زبان است؛ اما سریال از ابزارهای دیگر نظیر نور، صدا، موسیقی و... استفاده می‌کند و بنابراین شخصیت پری در سریال آب‌پریا، از نظر سبکی دچار تراگونگی شده است. یکی از تراگونگی‌های سبکی که در سریال آب‌پریا در مورد هر چهار پری سعی شده رعایت شود شیوه گریم و ترکیب رنگ‌هایی است که در لباس و پوشش، چشم و ابروها، مو و... استفاده شده‌است. ارتباط این رنگ‌ها متناسب با همان بخش از هستی است که هر کدام از پری‌ها مسئولیت حفظ و نگهداری آن را برعهده دارند. ابرپری، پری محافظ ابر و بارندگی، همانند ابرها، دارای مو، لباس و تاجی خاکستری، و چشم و ابروانی آبی‌رنگ است (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، قسمت ۱، دقیقه ۱۰:۱). سبزه‌پری، نماینده حفاظت از زمین و گیاهان، با ترکیبی از رنگ‌های

پریان در ادبیات فارسی (در برخی از متون نظم و نثر تا قرن هشتم هجری) سال (۱۳۹۰) و پایان‌نامه مهدیه خوارزمی با عنوان «بررسی سیر تحول پری در ادب فارسی از آغاز تا قرن هشتم» سال (۱۳۹۵) اشاره کرد. در مقاله نخست، برفر به دنبال بررسی قواعد حاکم بر قصه‌هایی با درونمایه شاهزاده‌ای است که با شکافتن میوه با یک پری روبه‌رو می‌شود. میرزای ناظر، در مقاله خود تفاسیری از واژه پری و دیو را ارائه می‌دهد. مریم عندلیب در پایان‌نامه خویش، تحولات پری در اسطوره و آیین و مذهب ملل مختلف و پری در متون برجسته نظم و نثر ایران تا قرن هشتم را بررسی کرده است. خوارزمی نیز به بررسی چهره و کارکرد پری از اوستا و برخی متون پهلوی پیش از اسلام و برخی متون نظم و نثر ایران تا قرن هشتم پرداخته است. در زمینه سریال مورد نظر تحقیق حاضر، تنها یک پایان‌نامه با عنوان «شیوه‌های مطلوب رفتارسازی کودکان با مطالعه موردی سریال آب‌پریا و مجموعه رد پای آبی» از احسان شریعتی نجف‌آبادی (۱۳۹۱) را می‌توان نام برد که نویسنده در آن با استفاده از دو مجموعه نمایشی سریال آب‌پریا و رد پای آبی، چگونگی رفتارسازی کودک را بررسی کرده است. در زمینه نظریه بینامتنیت^۴ نیز می‌توان به مقالاتی چون «خوانش پسامدرنیستی اسطوره در مرگ یزدگرد» از ابراهیم محمدی و مریم افشار (۱۳۹۲)، «بینامتنیت و معاصر سازی حماسه در شب سهراب‌کشان بیژن نجدی» از ابراهیم سلیمی کوچی و محسن رضائیان (۱۳۹۴) و همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «بینامتنیت در آثار نمایشی و داستانی عباس نعلبندیان» از مینا حسین‌نژاد قندی (۱۳۹۱) اشاره کرد که در مقاله نخست، نویسندگان با تحلیل ساخت و محتوای فیلم مرگ یزدگرد، ساخته بهرام بیضایی، و با استفاده از رویکرد پسامدرنیستی، به دنبال این هستند که نشان دهند این فیلم دارای اسطوره و مؤلفه‌هایی از قبیل تناقض، بی‌انسجامی، بینامتنیت، و نگاه پست‌مدرن است. در مقاله دوم، به بررسی دو نظریه بینامتنیت و معاصر ساختن حماسه در داستان کوتاه «شب سهراب‌کشان» بیژن نجدی پرداخته شده است. حسین‌نژاد قندی نیز در پایان‌نامه خویش به دنبال بررسی روابط بینامتنی متون نمایشی و داستانی عباس نعلبندیان، نمایشنامه‌نویس ایرانی، است. با توجه به پیشینه به دست آمده در رابطه با پری و همچنین سریال آب‌پریا، نمایان می‌شود که بررسی پری در این سریال از دید پژوهشگران دورمانده و هدف در این تحقیق نیز بررسی این موضوع و همچنین تحولات پریان در سریال و جنبه سینمایی آن است.

بحث و بررسی

ترامنتیت

یکی از نظریاتی که درباره ارتباط متون با یکدیگر مطرح می‌شود، بینامتنیت است. ژولیا کریستوا^۵، براساس مطالعاتش در مورد میکائیل باختین، برای اولین بار، اصطلاح بینامتنیت را مطرح کرد. در نظر کریستوا، بینامتنیت از عناصر و اجزای شکل‌دهنده متن است و از آن جدا نیست. به عبارت دیگر، هر متنی می‌تواند خود یک بینامتن تلقی شود. «نویسنده می‌تواند کلام متعلق به دیگری را به کار گرفته، در عین حفظ معنایی که از پیش داشته معنای تازه‌ای به آن ببخشد» (کریستوا، ۱۳۸۱، ۵۵). ژرار ژنت^۶، در ادامه نظریات کریستوا طرح

دیوم که شر به پا نکنه دیو نیست. تا دنیا دنیا بوده، همین بوده. دیو بوده و پری. خوبی بوده و بدی» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۱۷، دق ۴۲)، در این بخش برف‌پری، پری و پریان را خوب و در مقابل دیوان و بدی‌ها قرار می‌دهد و این دقیقاً عکس تعریفی است که از پری در تاریخ اساطیری ایران بر جای مانده است؛ چراکه در اساطیر، پری «موجودی کاملاً منفی، زبان‌رسان، دشمن نیکی و سودرسانی است» (عندلیب، ۱۳۹۰، ۱۳). در تاریخ اسطوره، ایزدان و امشاسپندان، محافظت و نگهبانی بخشی از هستی را برعهده داشته‌اند. در سریال آب‌پریا، هر کدام از پری‌ها، صورت تحول‌یافته ایزد و امشاسپندی است که مسئولیت نگاهبانی قسمتی از هستی برعهده او قرار گرفته است. این مورد را در اسامی پریان و همچنین اشاراتی که در خود سریال نیز می‌شود، می‌توان مشاهده نمود.

آب‌پری

پیش از این هم مطرح شد که پری در اساطیر وجه‌ای منفی و در ادب عامیانه وجه‌ای مثبت دارد. مسئله مهمی که در اینجا مطرح می‌شود ارتباط تنگاتنگ پری با عنصر آب است. می‌توان چنین انگاشت که «پریان در دوران‌های بسیار کهن، همان ایزدبانوان باروری و زایش بوده‌اند که بعدها به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، دینی و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی نوین، طرد شده و به بوده‌های اهریمنی که تلاش در ویران‌سازی آفریدگان و گیتی دارند، دگرگون می‌شوند» (خوارزمی، ۱۳۹۵، ۲). سرکاراتی در مقاله خود معنی اصلی پری را «زاینده و بارور» می‌داند و معتقد است با توجه به صفات و ویژگی‌های پری در اوستا و پری در فرهنگ عامه، این معنی برای آن مناسب‌تر است (سرکاراتی، ۱۳۷۸، ۵).

آب‌پری در این سریال، وظیفه نگاهبانی از آب را به عهده دارد. این موضوع را در مکالمه میان باد صبا و ابرپری، می‌توان دید: «ابرپری: اپوش، خواهر کوچکمان آب پری را اسیر کرده.

- باد صبا: آب‌پری؟

- ابرپری: بله.

- باد صبا: همان کو که بود آب را پاسبان؟

- ابرپری: بله» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۲، دق ۴)

آب‌پری، در کنار رودی که پر از زباله است و چیزی از زلالی آب دیده نمی‌شود حاضر می‌شود تا رود را صاف و زلال کند و در همین موقع با ظاهر شدن سایه دیو بر روی او که بیهوش بر روی زمین افتاده، اسیر (غایب) می‌شود (همان، ق ۱: دق ۵). غیب‌شدن و یا به عبارت دیگر اسیرشدن آب پری به دست دیو، یادآور اسطوره غیبت دختر است. در باور اسطوره‌ای غیبت دختر، دختر یا دخترانی در کنار چشمه یا چاهی غایب و یا دزدیده می‌شوند و نشانه آن نیز به صورت چشمه یا چاهی کم‌آب در همان محلی است که دختر از نظر غایب شده است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۵، ۲۵۰). در ادامه سریال، سه خواهر آب‌پری (ابرپری، سزپری و برف‌پری) برای آزادی او از چنگال اپوش تلاش می‌کنند؛ به همین جهت می‌توان مهم‌ترین مسئله‌ای را که در این سریال نمود یافته است در عنصر آب دانست. آب‌پری نیز با وجود اینکه غایب است اما مهم‌ترین نقش این سریال را دارد، چراکه

مختلف با زمینه رنگ سبز نمایان می‌شود. رنگ مو و چشمان سزپری نیز به رنگ سبز است. آب‌پری، پری محافظ آب نیز، با لباسی به رنگ آبی و بنفش دیده می‌شود. رنگ مو، چشم و ابروان او نیز به رنگ آبی است. برف‌پری، نماینده بارش برف است. این پری، لباس‌هایی به رنگ آبی و سفید دارد. رنگ مو و مژگان و ابروان او همگی سفید هستند. این سفیدی در موی برف‌پری می‌تواند علاوه بر معرفی او با عنوان ننه سرما، نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن وی نیز باشد؛ چراکه او از دیگر خواهران بزرگ‌تر و پیرتر است. در تاریخ اساطیر، زال شخصیتی برجسته است که به دلیل رنگ موی سپیدی که در آغاز تولد دارد از طرف پدر رانده شده و توسط سیمرغ بالیده می‌گردد. از دیگر شخصیت‌های اساطیری که تجلی پیری و کمال می‌باشد، زروان است. «زروان تجلی پیری و قوت مردانگی و درخشندگی و کمال است. زال نیز از کودکی نشانه سپیدی و کمال و پیری است» (مختاری، ۱۳۷۹، ۱۷۴). علاوه بر گریم می‌توان به دیگر عوامل سینمایی چون جلوه‌های صوتی، جلوه‌های ویژه، صحنه‌پردازی و... اشاره کرد که سریال آب‌پریا با استفاده از آنها به نمایش اساطیر پرداخته است. از جمله جلوه‌های صوتی می‌توان به ریتمی کوتاه از آهنگ که به جای سخن گفتن ابرک استفاده می‌شود، اشاره کرد. بهره‌مندی از لوکیشن‌های «متفاوت همچون کلاردشت، جاجرود، یزد، تهران، کرمانشاه، کازرون، دریاچه پریشان و... که در این سریال به نمایش در می‌آیند، نشان‌دهنده صحنه‌پردازی‌های گوناگون است. ساخت قصری در آسمان، پرواز ابرپری و باد صبا و ارباب او و... از جمله جلوه‌های ویژه به‌کاررفته در سریال آب‌پریا است. هیچکدام از این ویژگی‌ها در مورد پری و پریان در روایات، وجود ندارد و در سریال برای واقعی‌تر نشان دادن آنها و نزدیکی آنان به مخاطبان از این ویژگی‌ها استفاده شده است.

تراگونگی مضمونی

تراگونگی مضمونی، تغییر در مضمون و مطلبی است که با استفاده از روایات و داستان‌هایی که پیش از این وجود داشته و حال در دسترس ما هستند، به وجود می‌آید. یکی از این تراگونگی‌های مضمونی، در مورد شخصیت پری حاضر در سریال، در مقایسه با تعریفی است که از او در تاریخ اساطیر و افسانه بر جای مانده است. «در آیین مزدیسنا، پری بسان یکی از مظاهر شر از دام‌های اهریمن انگاشته شده و بازتاب این انگاره در ادبیات زردشتی چنان است که از پری همیشه به زشتی یاد رفته است» (سرکاراتی، ۱۳۷۸، ۱). بنابر تعریف پری در اساطیر، وی شخصیتی منفی و از بوده‌های اهریمنی است که علیه زمین و زمینیان در کار است؛ اما آنچه که از پری در ادبیات عامیانه باقی مانده، عکس معنی پری در اساطیر را نشان می‌دهد. پری در ادب پارسی، به صورت نگاری زیبا معرفی می‌شود که از نیکویی و حتی فرّ برخوردار است و گاه به خاطر ویژگی سودرسانی، در مقابل دیوان قرار می‌گیرد (همان). بنابراین، در تعاریف اساطیری و عامیانه، دو تعبیر جداگانه و مخالف با یکدیگر وجود دارد و در یکی پری، شخصیتی مثبت و در دیگری منفی است. در سریال آب‌پریا، پری به صورت هیئتی مرکب از هر دو تعریف اساطیری و عامیانه نمود می‌یابد که جنبه مثبت او بیشتر از جنبه منفی است. «برف‌پری: پری که نیکی نکنه پری نیست،

بارش و باران آوری می‌داند «پس تو چکار می‌کنی ابرپری خانوم؟ به جای یللی تللی و عشق و عاشقی ابراتو بارون. ابری که نباره به چه درد می‌خوره؟» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۱، دق ۲۰) با توجه به این مطلب، می‌توان ابرپری را نمادی از ایزد تیشتر دانست؛ همچنین ازدواج باد صبا با ابرپری و یاری او به این پری، تأییدی بر این است که ابرپری نماد تیشتر است؛ چراکه در اساطیر، باد یکی از یاری‌دهندگان تیشتر محسوب می‌شود. یاری باد صبا به ابرپری را می‌توان در سریال نیز مشاهده نمود. «پروازکنان می‌روی تا به قلعه باد آشیان برسی، صبا را از خواب بیدار می‌کنی و می‌گویی ابرپری سلام رساند... بگو برود به جنگل‌های بهارآلود، باغ درّه و چاوشان و رم‌های ابر بارانزا به این سو بوزاند تا کشتزار مش رحمت سیراب شود و دلش آرام گیرد» (همان، ق ۳، دق ۲۳).

در تاریخ اساطیری ایران، تیشتر ایزدی است که وظیفه باران آوری را در نبرد اهورامزدا در مقابل اهریمن برعهده دارد و از یاری‌دهندگان اورمزد محسوب می‌شود. تعیین هویت تیشتر دشوار است و با وجود اطلاعاتی که در یشت ۸ در مورد این ایزد وجود دارد، همچنان او را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. از طرفی دیگر اسطوره مبارزه این ایزد با دیو اپوش که آب برای زمین فراهم می‌آورد، موجب می‌شود که تعیین هویت او دچار اشکال شود (مالاندرا، ۱۳۹۱، ۱۸۵). در تاریخ روزهای ماه زرتشتی، تیر معادل اوستایی تیشتر محسوب می‌شود (کراسنووولسکا، ۱۳۸۲، ۳۷). در اساطیر ایران، تیشتر فرشته‌ای است که در مبارزه میان اهورامزدا و اهریمن، در نیروهای اهورایی قرار گرفته و وظیفه بارندگی و باروری را برعهده دارد. «از آن روی که ستاره تیشتر به خرچنگ آب سرشت، به خرده آزرگ، (طالع) شد، (در کدهای که) جانان خوانند، در همان روز که اهریمن در تاخت، به هنگام غروب، به سوی خاوران، ابر به پیدائی آمد... و نشانه بارانسازی نمودار شد» (فرنغ دادگی، ۱۳۸۵، ۶۳-۶۴) «پس، باد آن آب را به همان آئین، تا به سر رسیدن سه روز، به سوی سوی زمین باز نشانید. سه دریای کوچک از آن پدید آمد» (همان، ۶۴).

آنچه در این سریال مشهود است این است که تیشتر به‌عنوان یکی از یاری‌دهندگان آب پری در نظر گرفته شده که همراه با دو خواهر دیگر به جنگ دیو اپوش می‌رود تا خواهر خود را آزاد کند، حال آنکه در تاریخ اساطیر، اپوش، تنها با تیشتر دشمن است و تنها با او مبارزه می‌کند. تیشتر خود به جنگ با اپوش، دیو خشکی می‌رود و در ابتدا دیو بر او پیروز می‌شود؛ اما پس از اینکه تیشتر از اهورامزدا یاری می‌خواهد، اهورامزدا وی را یاری داده و او بر اپوش پیروز می‌شود. «اپوش دیو به همانندی اسب سیاه کوتاه دنی به مقابله بتاخت و او تیشتر را یک فرسنگ به ستوهی برانید. تیشتر از هرمزد توان خواست. هرمزد نیرومندی را بر (او) ببرد. چنین گوید که، در زمان، نیروی ده اسب نر، ده شتر نر، ده گاو نر، ده کوه و ده رود بر تیشتر آمد. او اپوش دیو را یک فرسنگ به ستوهی بتازانید» (همان، ۶۴). علاوه بر آن، تیشتر در یشت‌ها از مبارزان با پری‌ها و دیوها معرفی می‌شود «تیشتر ستاره رایومند فرهمند را می‌ستائیم؛ کسی که به پری‌ها غلبه کند. کسی که پری‌ها را درهم شکنند، وقتی آنها به شکل ستارگان دنباله‌دار در میان زمین و آسمان پرتاب شوند» (پورداد، ۱۳۷۷،

آب در ایران به شدت کاهش یافته است به همین دلیل اهمیت این عنصر حیاتی بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند. آب، همواره در میان ایرانیان مورد تقدس بوده و برای آن احترام بسیاری قائل بوده‌اند؛ احترام به چیزهایی که انسان را به یاد خدا می‌اندازد نشان دهنده ایمان فرد است و آب نیز از عناصری است که آدمی را به یاد خداوند می‌اندازد. احترام ایرانیان به عنصر آب و مقدس شمردن آن نیز نمایانگر همین امر و نشان دهنده شناخت از نقش زایایی و آفرینندگی آب است (بهنام، ۱۳۹۴، ۳۳۹). این عنصر در میان ایرانیان تا آنجا اهمیت دارد که برای آن ایزدی را قرار داده بودند و می‌پرستیدند؛ آنهایتا در تاریخ اسطوره ایران، به‌عنوان خدای آبها پرستش می‌شده و از آن دسته از خدایان نیرومندی است که در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی و در کتاب‌های گوناگون اوستا، بندهش و روایت‌های پهلوی به خوبی قدرت خود را به‌عنوان یک ایزد در میان دیگر ایزدان نشان داده است. «از برای من ای زرتشت اسپنتمان این اردویسور ناهید را بستای که آن زورمند درخشان بالا و خوش‌اندام را از کسی که شبانه‌روز آب روان به فراوانی تمام آب‌هائی است که در روی این زمین جاری است (و) با قوت تمام روان است» (پورداد، ۱۳۷۷، ۲۴۰-۲۳۹). «در ایران اردوی سوراآنهایتا^{۱۲}، آب‌های توانمند بی‌آلایش، خاستگاه همه آب‌های روی زمین است... آنهایتا در مأوای آسمانی خویش سرچشمه دریای کیهانی است و بالابند، تنومند، رخشان، زیبا، پاک و آزاده توصیف می‌شود. شایسته آزادگی خویش، تاج زرین هشت پر هزار ستاره بر تارک، جام‌های زرین بر تن و گردن‌بندی زرین بر گردن زیبای خود دارد» (هینلز، ۱۳۸۳، ۷۹).

وجود آنهایتا در افسانه‌های عامیانه به شکل پری‌ها و خویسکاری‌های آنها ظاهر می‌شود. آنچه در این سریال از پری گفته شده آمیخته‌ای از اسطوره و افسانه را در بر گرفته است. وجود سه پری دیگر نیز به‌عنوان یاری‌دهندگان آب پری یعنی همان اصلی‌ترین اسطوره نمود یافته در سریال است و آنها را می‌توان از زیرمجموعه‌های مربوط به ایزد بانو آنهایتا در نظر گرفت. کرتیس، در کتاب خود آنگاه که آنهایتا و ویژگی‌های او را شرح می‌دهد به گردونه او و چهار اسب وی اشاره می‌کند «اردوی سورا ناهیتا... بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب آن را می‌کشند: باد، باران، ابر و تگرگ» (کرتیس، ۱۳۷۳، ۹). در آبان یشت نیز از کرده دوم تا چهارم، توصیف گردونه آنهایتا است «به پیش گردونه، لگام در دست، شکوهمندانه می‌راند. گردونه‌ای که چهار اسب سپید و خوش‌پیکر و نژاده آن را می‌کشند» (رضی، ۱۳۸۴، ۳۵۳). در سریال آب پریا دو مورد از این چهار اسب آنهایتا که باد، ابر، باران و تگرگ هستند و بدان اشاره رفت به‌عنوان پری حضور دارند. ابرپری و برف پری، از پریانی هستند که نمادی از ابر و باران (ابرپری) و تگرگ (برف پری) می‌باشند و در واقع یاری‌دهندگان آنهایتا (آب پری) هستند که همراه او به جنگ دشمنان وی که در سریال، اپوش به‌عنوان دشمن در نظر گرفته شده می‌روند.

ابرپری

ابرپری وظیفه نگاهبانی از ابرها و بارندگی را برعهده دارد. در سریال نیز برف پری به این موضوع اشاره می‌کند و ابرپری را مسئول

و انواع حیوانات همچون قورباغه و گاو، به او کمک می‌کنند. یکی از دلایل پررنگ‌تر بودن نقش سبزی‌پری در آزادی آب‌پری را می‌توان در این دانست که خرداد و امرداد را دوقلوی یکدیگر دانسته‌اند و هر جا از یکی از آنها نام برده شود دیگری نیز پدیدار می‌گردد. خرداد نماینده آب است و امرداد نماینده گیاه، سبزی‌پری نیز نمادی از امرداد و سپندارمذ است، پس هر جا سبزی‌پری باشد برای بودن نیاز به خرداد که بیانگر آب‌پری است، دارد.

برف‌پری

برف‌پری در سریال آب‌پریا، نماینده فصل سرما و یخبندان است. بدین موضوع برف‌پری، خود، اشاره می‌کند

حالا که بستم من بار و بندیل راحت می‌خوابم تا فصل قندیل فصل یخبندون پا میشم خندون برف و می‌پاشم تو کوه و هامون (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۱، دق ۹).

از کنش‌ها و خویشکاری‌های خاص او می‌توان به ساختن تکه یخی توسط دم سرد وی اشاره کرد (همان، ق ۵، دق ۳۳). از دیگر ویژگی برف‌پری، خشونت و کم‌صبری اوست. او بزرگ خواهران است، اما نسبت به دیگر خواهران کم‌صبرتر می‌نماید. بد اخلاق است و توهین و اهانت به خویش را نمی‌تواند تحمل کند و با قندیل کردن کسانی که به او کوچک‌ترین اهانتی کرده‌اند درصدد جبران بر می‌آید؛ اما در عین حال به موقع مهربان است و قدردان زحمات دیگران. وظیفه یک بزرگ‌تر را برای خواهران به خوبی اجرا می‌کند و بزرگ‌تری است که بر همه چیز ناظر است. هینلز (۱۳۸۳، ۱۷۴) پری‌زاد را دختری با موهای بلند معرفی می‌کند که به کسی آزار نمی‌رساند مگر اینکه او را آزار دهند. بنابر این برداشت از پری و ویژگی‌های برف‌پری، او را می‌توان از آن دست پریانی دانست که در باور عامیانه مورد پسند هستند و در عین حال مطابق با تعریف هینلز از پریانی است که اگر آزار ببینند، می‌تواند آزار هم برساند. قندیل کردن برف‌پری، یکی از شیوه‌های انتقام‌گیری او محسوب می‌شود (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۴، دق ۱۴). در افسانه‌ها، پری می‌تواند انتقام‌گیرنده و اهل شرارت نیز باشد. این مورد را می‌توان در داستان شاه سیاه‌پوشان هفت‌پیکر مشاهده کرد. در داستان شاه سیاه‌پوشان، تُرکتاز که با عنوان زیباترین پری و شاه پریان است به آدمیزادی که در کنار اوست و آرزوی کامیابی از وی را دارد، اجازهٔ وصال نمی‌دهد و او را در ناکامی فرو می‌گذارد (نظامی گنجوی، ۱۳۷۳، ۸۹-۷۱)؛ این ویژگی تُرکتاز در این داستان، می‌تواند شرارت پری و انتقامجویی او را نشان دهد.

در اساطیر، پری یا ایزدی که بتواند نمایندگی برف را برعهده داشته باشد وجود ندارد. فصل زمستان از جمله فصولی است که آن را یکی از حیل‌های اهریمنی می‌دانسته‌اند. انسان ابتدایی چون بدین امر علم نداشت که وجود زمستان آغازی است برای شکوفایی تازه‌تر گیاهان در فصل بهار، از زمستان بیزار بود و آن را از سوی اهریمن می‌دید. تعبیر انسان ابتدایی از زمستان این بوده که طبیعت در زمستان می‌میرد و با آغاز فصل بهار رستاخیز می‌کند. به همین خاطر در تاریخ نجومی، پایان زمستان همراه با سوگواری بوده است و در اول بهار نیز جشنی به مناسبت رستاخیز بهار، برگزار می‌کرده‌اند (رضی، ۱۳۸۳، ۴۸).

(۳۴۳)، همانطور که از این بخش از یشت‌ها برمی‌آید، پری‌ها به شکل ستارگان دنباله‌داری هستند که با تیشتر می‌جنگند و باز هم جنبه منفی آنها مدنظر است؛ اما آنچه در سریال آب‌پریا از پری نشان داده می‌شود نه تنها جنبه مثبت آن است، بلکه خود ابرپری نیز که نماینده تیشتر است در هیئت پری قرار می‌گیرد و وظیفه پاسداری از ابر و باران را برعهده دارد.

سبزی‌پری

سبزی‌پری وظیفه نگاهبانی از زمین و گیاهان را برعهده دارد و مهربان، عاقل، فداکار، صبور و امیدوار به آینده است. ویژگی عاقل‌تر بودن سبزی‌پری نسبت به دیگر خواهران را می‌توان در تأیید سخن استاد بهار خطاب به سبزی‌پری مشاهده کرد «خانم شما که معقول‌تر هستید، لطف کنید، همشیره‌هاتون رو توجیه بفرمایید» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۸، دق ۱۹). در میان دو پری دیگر (ابرپری و برف‌پری)، نقش سبزی‌پری در آزادی آب‌پری بیشتر است.

در اساطیر ایران، اهورامزدا جهان را به واسطه شش فرشته که به آنها امشاسپند گویند، اداره می‌کند و خود در رأس آنان است. نام این امشاسپندان براساس نام ماه‌های سال است (اردیبهشت، خرداد، امر داد، شهریور، بهمن، سپندارمذ؛ شعبانی، ۱۳۷۹، ۶۰-۵۹). دو امشاسپند سپندارمذ و امرداد، مسئول نگاهبانی از زمین و گیاهان هستند. سپندارمذ فرشته‌ای است که در اساطیر او را با نام مادر زمین نیز می‌شناسند؛ چراکه حفظ زمین و مخلوقات زمینی برعهده این امشاسپند است. «سفندارمذ: در اوستا سپنت آرمئیتی، در پهلوی سپندارمذ، که در فارسی سپندارمذ (سفندارمذ، سفندارمذ) گوئیم، مرکب است از دو جزء سپنت (مقدس) و آرمئیتی (فروتنی، فداکاری). در اوستا به معنی زمین و در پهلوی به خرد کامل ترجمه شده است» (یاحقی، ۱۳۷۵، ۱۰۴). سپندارمذ را دختر اهورامزدا دانسته‌اند که در طرف چپ او قرار دارد. او مظهری از تحمل و بردباری، اطاعت و صلح، تواضع و فروتنی و کمال‌اندیشی است (آموزگار، ۱۳۷۶، ۱۷-۱۶). «سپندارمذ یکی از امشاسپندان جاودانی مؤنث است. او مظهر پاک، محبت، عشق، خلوص، فروتنی و پارسایی اهورامزدا است و در عالم، نگهبانی زمین و زنان پاک با اوست» (بی‌گوند، ۱۳۹۲، ۱۷۱). سپندارمذ وظیفه دارد زمین را همواره خرم نگاه دارد و کشت و کار را رونق بخشد. او امشاسپندی است که بهترین صفات را داراست. از صفات اصلی او شکیبایی و بردباری، کمال‌اندیشی، دورنگری و امانتداری است. علاوه بر سپندارمذ، از دیگر امشاسپندان دیگری که از طرف چپ اهورامزدا ایجاد شده‌اند، خرداد و امرداد هستند (فرنیه دادگی، ۱۳۸۵، ۱۰۹). خرداد و امرداد از فرشتگانی هستند که همواره با هم می‌آیند. امرداد به معنی بی‌مرگی و فرشته نگاهبان گیاه است (پورداو، ۱۳۷۷، ۹۵). «امرات نام یکی از امشاسپندان است که نگهبانی نباتات با اوست و همیشه ههاروات یا خرداد، نگهبان آب، همراه اوست» (سرخوش، ۱۳۸۹، ۳۴). با توجه به آنچه از خویشکاری امرداد، وجود دارد به نظر می‌رسد سبزی‌پری، به‌عنوان نوعی پری معرفی شده که خویشکاری‌های هر دو امشاسپند را دارد. گیاهان و تمام موجودات زمینی با او سخن می‌گویند و او را در رسیدن به هدف یاری می‌کنند. از جمله، درختان

می‌دهد و می‌تواند به صورت بسط، آلاینش و گسترش ظهور پیدا کند (آلن، ۱۳۸۰، ۱۵۹). در تشدید، ممکن است به بخش‌هایی از متن پیشین، مطالبی افزوده شود و یا می‌تواند آن را با شکلی افزایشی تغییر دهد. در سریال آب پریا، همراه با ابرپری که نماد تیشتر است دو شخصیت ابرک و باد صبا به‌عنوان یاری‌دهنده وی وجود دارند. ابرک، ابر کوچکی است که به دلیل بیماری پدر و مادرش همراه ابرپری است «ابرپری: ابرک است.

برف پری: باز تو این ابرپاره آتیشپاره رو همراهت کردی؟! ابرپری: چاره نداشتم خواهر جان. پدر و مادر بی‌نوایش سیاه سرفه گرفته‌اند ترسیدم طفلکی ناخوش شود با خود آوردمش» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۱، دق ۱۵). ابرک شخصیتی موهوم است و نمی‌توان از آن در اسطوره ردپایی یافت و در این سریال، با خلق این شخصیت به یاری دهندگان تیشتر اضافه می‌شود. باد صبا نیز دلباخته ابرپری است که به دلیل علاقه‌ای که نسبت به او دارد، وی را در آزادی خواهرش یاری می‌دهد. در تاریخ اسطوره، باد تنها، یاری‌دهنده تیشتر در مبارزه او با اپوش است؛ اما در سریال آب پریا با افزودن عشق میان ابرپری (تیشتر) و باد صبا که در نهایت به ازدواج منتهی می‌گردد به ارتباط باد و ابر در اساطیر اشاره می‌شود. علاوه بر این، با توجه به آنچه از ننه سرما در روایت افسانه‌ای صبحی مهتدی بر جای مانده، او که دلدادۀ عمو نوروز است، هیچگاه موفق به دیدار وی نمی‌شود و مطابق این داستان، دیدار این دو با یکدیگر برابر است با به آخر رسیدن دنیا (صبحی مهتدی، بی تا، ۱۱-۱۴)؛ اما در سریال آب پریا، برف پری که معادل ننه‌سرما است، یک بار عمو نوروز را دیده و دل به مهر او بسته است و به‌عنوان همسر او تلقی می‌گردد که در ادامه زندگی موفق به دیدار او نمی‌شود. «ابرپری: یعنی وصلت شما با آقای نوروز آخر و عاقبت داشت؟ او می‌آید شما خوابید. بیدار که می‌شوید او رفته. هیچگاه همدیگر را نمی‌بینید. این هم شد زندگی؟

برف پری: نه. نشد زندگی. اینو می‌گم که تو پند بگیر. پدر عاشقی بسوزه. منم مثل تو چون بودم و خام پندار. تا به نظر دیدمش مهرش به دلم خونه کرد» (برومند و مرتضوی، ۱۳۹۲، ق ۱، دق ۲۴). بنابراین آنچه که در سریال آمده است، برف پری برای یک بار موفق به دیدار عمو نوروز شده است؛ اما در داستان صبحی، ننه سرما هیچگاه عمو نوروز را نمی‌بیند. دیدار عمو نوروز و ننه سرما در این سریال اضافه شده است. از جمله دگرگونی‌های تشدید «دگرانگیزش» است. زیرمتن‌ها می‌توانند انگیزه‌هایی را برای افراد و شخصیت‌ها ایجاد کنند که در زیرمتن‌ها، این افراد چنین انگیزه‌هایی را نداشته و فاقد آن بوده‌اند (آلن، ۱۳۸۰، ۱۶۰-۱۵۹). بر همین اساس می‌توان گفت، در روایات اساطیری، هدف پریان نابودی زمین و زمینیان بوده است؛ اما در سریال آب پریا هدف آنان، نگاهبانی از هستی به منظور جلوگیری از نابودی آن است.

برخلاف اسطوره، در باور عامیانه، سرما به‌عنوان فصلی مورد پسند مردم قرار دارد؛ تا آنجا که داستان‌ها و افسانه‌های مختلفی را برای آن ساخته‌اند. برای این فصل شخصیتی قائل شده‌اند و او را ننه‌سرما نام نهاده‌اند. ننه سرما مسئولیت بارش برف و فصل یخبندان را برعهده دارد که در آغاز بهار به خواب زمستانی می‌رود. صبحی مهتدی در داستان عمو نوروز خود به، به خواب رفتن ننه‌سرما اشاره کرده است.

تقلیل

تقلیل، همانطور که پیش از این بیان شد، حذف و سانسور زیرمتن نسبت به زیرمتن است (آلن، ۱۳۸۰، ۱۵۸). سریال آب پریا نیز از این حذف و تقلیل بهره گرفته است. اکثر روایات اساطیری، حکایت مبارزه ایزدان با دیوها و نیروهای اهریمنی است، مانند حکایت مبارزه تیشتر با دیو اپوش و روایات بسیار دیگری از این قبیل که از ذکر حکایت آنها در سریال آب پریا، خودداری شده است. از مبارزه اهورامزدا و اهریمن نیز سخنی به میان نمی‌آید؛ چراکه در سریال، عنصر مهم، آب است، نه جهان و چگونگی ایجاد و پایان آن. علاوه بر آن، در تاریخ اسطوره، آناهیتا ایزدی قدرتمند است که توان یاری‌رسانی به همه انسان‌ها را دارد و برخی را یاری داده و از کمک به برخی دیگر ممانعت کرده است. به‌عنوان مثال آناهیتا، ضحاک را با وجود فدی‌های بسیار یاری نمی‌کند؛ اما به فریدون یاری می‌رساند. «از برای او اژی دهاک (ضحاک) سه پوزه در مملکت بابل (بوری) صد اسب، هزار گاو و هزار گوسفند قربانی کرد... او را کامیاب ساخت اردویسور ناهید» (پورداود، ۱۳۷۷، ۲۴۷). «از برای او فریدون، پسر آئویه، از خاندان توانا در (مملکت) چهار گوشه (وَرَنَه) صد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند قربانی کرد... او را کامیاب ساخت اردویسور ناهید» (همان، ۲۴۸-۲۴۲)؛ اما آنچه با مشاهده سریال به دست می‌آید بیانگر این است که آب پری که خود نماینده ایزد آناهیتا است، به دست اپوش گرفتار می‌شود و برای رهایی خویش نیازمند یاری خواهران است و در واقع برخلاف آناهیتا که ایزدی قدرتمند است، آب پری قدرتی نداشته و خود نیز نیازمند نیروی دیگران به خصوص انسان‌ها، برای آزادی از چنگال اپوش است و از ذکر یاری او به دیگران و قربانی‌هایی که در راه او کرده‌اند سخنی به میان نیامده است؛ مسئله‌ای که بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد در این است که در اینجا جنگ میان ایزدان وجود ندارد و این انسان‌ها هستند که به ایزدان و طبیعت یاری می‌رسانند، نه ایزدان و این می‌تواند مهم‌ترین تحول این سریال باشد؛ همچنین می‌تواند وجه تشابهی باشد میان آناهیتا و اینانا یا ایستر، ایزدبانوی باروری در اساطیر بین‌النهرین، چراکه اینانا توسط ایزد مرگ در زیر زمین اسیر می‌شود و آب پری نیز توسط دیو خشکسالی به اسارت در می‌آید.

تشدید

تشدید یکی از فرآیندهای زیرمتنی است که زیرمتن را تقلیل

نتیجه

شخصیت پری دارای هر دو ویژگی مثبت و منفی اساطیری بوده که جنبه مثبت او پررنگ‌تر است. با توجه به تعاریفی که از تراگونگی وجود دارد، این سریال سرشار از تراگونگی سبکی و مضمونی است که با تغییر رسانه از اسطوره به سینما حاصل آمده‌اند. براساس تراگونگی

چنانکه بیان شد سریال آب پریا، سریالی است که با تأثیرپذیری از اسطوره و افسانه به وجود آمده و از شخصیت پری برای بیان مسائل مربوط به طبیعت استفاده کرده است. با بررسی دقیق شخصیت پری و کنش‌های مربوط به او در این سریال چنین به دست می‌آید که

چراکه شخصیت پری هنوز در اندیشه، ادبیات عامه و داستانه‌ای کودکانه و بسیاری از ابعاد فرهنگی و اندیشگانی مردم ایران زنده است. سریال آب پریا با ایجاد تفاوت‌هایی در مضمون و سبک، و افزایش و کاهش مضامین، از این موجود اسطوره‌ای بهره گرفته است تا به مهم‌ترین عنصر حیات یعنی آب اشاره کند. در ایران، همواره عدم وجود یا کمبود آب به‌عنوان مهم‌ترین مشکل زیست محیطی وجود داشته است. باور به اسطوره غیبت دختر، ایزد قدرتمندی چون آناهیتا به‌عنوان خدای آبها و... نشان دهنده اهمیت آب در باور اساطیری ایرانی است. آب پری نیز به دلیل نمایندگی نگاهبانی آبها، با وجود غیبتی که دارد، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. علاوه بر این، مسئله مهم در این سریال، جنگ میان ایزدان نیست و شخصیت اصلی و یاریگر طبیعت نیز ایزدان نیستند، بلکه این انسان‌ها هستند که باید به کمک ایزدان و در اصل طبیعت بیایند.

سبکی نوع گریم، جلوه‌های ویژه و صوتی به کاررفته در سریال آب پریا به مدد تصویری شدن اساطیر آمده‌اند. با توجه به تراگونی مضمونی، هر کدام از چهار پری این سریال (برف پری، ابر پری، سبزی پری و آب پری)، نماد عنصری در طبیعت هستند. خویشکاری‌های هر کدام از پری‌ها و تطبیق آنها با باورهای اساطیری، بیانگر این است که برف پری معادل ننه سرما، ابر پری نماد تیشتر (ایزد باران آور)، سبزی پری نمادی از امشاسپند سپندارمذ و امرداد (محافظان زمین و گیاه) و آب پری نماد آناهیتا (ایزد محافظ آب) و امشاسپند خرداد است. آنچه که در مورد هر چهار پری مشهود است این است که نه در روایات اساطیری و نه در روایات افسانه‌ای و عامیانه، وظیفه نگاهبانی از بخش‌های هستی به پری و پریان محول نشده است. با توجه به تغییرات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در ایران، شخصیت پری به صورتی هوشمندانه و هنرمندانه به‌عنوان جانشین ایزدان موکل بر اجزای طبیعت انتخاب شده است؛

پی‌نوشت‌ها

1. Apōš.
2. Transtextualite.
3. Hypertextualite.
4. Intertextualite.
5. Julia Kristeva.
6. Gerard Genett.
7. Arcitextualite.
8. Paratextualite.
9. Metatextualite.
۱۰. قی و دق، علائم اختصاری قسمت و دقیقه سریال آب پریا هستند. محل اجرای برنامه.
11. ArdivisuraNanhita.
12. Spenta ārmaiti.

فهرست منابع

- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۸)، سایه‌های شکارشده: گزیده مقالات فارسی، نشر قطره، تهران.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۹)، *آداب و رسوم نوروز*، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران.
- صحیحی مهدی، فضل‌الله (بی‌تا)، *عمونوروز*، انتشارات اشرفی، تهران.
- عندلیب، مریم (۱۳۹۰)، «پری و پریان در ادبیات فارسی (در برخی از متون نظم و نثر فارسی تا قرن هشتم)»، *غلامعلی فلاح، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه تربیت معلم.
- فرنخ دادگی (۱۳۸۵)، *بندهش*، گزارنده مهرداد بهار، چاپ سوم، توس، تهران.
- کراسنولسکا، انا (۱۳۸۲)، *چند چهره کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی*، ترجمه ژاله متحدین، نشر ورجاوند، تهران.
- کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۷۳)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس نخبر، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
- کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱)، «کلام، مکالمه و رمان» در *به سوی پسامدرن*، *پس‌ساختارگرایی در مطالعات ادبی*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- مالاندر، ویلیام. و. (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر دین ایران باستان براساس متن‌هایی از اوستا و کتیبه‌های هخامنشی*، ترجمه خسرو قلی‌زاده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، تهران.
- مختاری، محمد (۱۳۷۹)، *اسطوره زال*، چاپ دوم، توس، تهران.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۵)، «اسطوره غیبت دختر»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۲۴۹-۲۸۲.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶)، «ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی بیش‌متنی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال نهم، شماره ۳۸، صص ۱۳۹-۱۵۲.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۵)، *بینامتنیت*، سخن، تهران.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۳)، *هفت پیکر*، به تصحیح برات زنجانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه باجلان فرخی، اساطیر، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، چاپ دوم، سروش، تهران.

- آلن، گراهام (۱۳۸۰)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران.
- آلن سگال، رابرت (۱۳۸۹)، *اسطوره*، ترجمه فریده فرودفر، بصیرت، تهران.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۶)، *تاریخ اساطیری ایران*، چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- امینی، آناهیتا (۱۳۹۰)، *اسطوره آناهیتا در ایران، یونان و هند*، چاپ اول، انتشارات پاژ، مشهد.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۲)، *چشم‌اندازهای اسطوره*، ترجمه جلال ستاری، انتشارات توس، تهران.
- برومند، راضیه و مرتضوی، گیتی (نویسنده) (۱۳۹۲)، «آب پریا»، شبکه دو، صدا و سیما ج۱ ایران.
- بهنام، مرتضی (۱۳۹۴)، «تقدس آب در اساطیر ایران باستان»، *تاریخ پژوهی*، شماره ۶۵، صص ۳۳۹-۳۶۶.
- بیگون، بهروز (۱۳۹۲)، *جشن‌های فراموش‌شده ایران باستان*، چاپ دوم، مؤلف، تهران.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، اساطیر، تهران.
- خوارزمی، مهدیه (۱۳۹۵)، «بررسی سیر تحول پری در ادب فارسی از آغاز تا قرن هشتم»، محمد صادق بصیری، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- رضی، هاشم (۱۳۸۳)، *جشن‌های آب*، بهجت، تهران.
- رضی، هاشم (۱۳۸۴)، *اوستا*، چاپ ششم، بهجت، تهران.
- سرخوش، فائده (۱۳۸۹)، *اسطوره آسمان و زمین*، زمین و آسمان، ترفند، تهران.

The Representation of Mythical Aspects of Fairy in Cinema Based on Hypertextualite Theory: A Case Study of Ab-Pariya TV Series*

Hamed Noruzi^{**1}, Zahra Rezaei², Ebrahim Mohammadi³

¹Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

²Graduate Master of Narrative Literature, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

³Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran

(Received 30 Sep 2019, Accepted 2 Jun 2020)

Ab-Pariya is a serial based on mythological and legendary themes that explores the state of nature of Iran by relying on the role of a “fairy” and its interaction with the “human”. The cinematic representation of such themes entails fundamental changes in the characters, mythical space and time. In this study, we examine the evolution of the process of transforming mythical phenomena of fairy into cinematic imagery that results from a change in kinship. The present study adopts using the mythical critique and the inter-semiotic approach and Jenettey’s hypertextualite theory to examine the mythical aspects of fairy and how it developments. An analysis of the similarities and differences of the definitions of the concept of the fairy in Persian literature, myths and legends. With its definitions in the current and modern world as well as in the cinema and Ab-Pariya series, hypertextualite is a type of Gerard Genette’s Trans-textualite. Genette used the concept in order to expand on the Intertextualite theory. The term Intertextualite was coined by Julia Kristeva. Kristeva first applied the term in her studies on Mikhail Bakhtin. In those studies, she set to investigate the relationship between two texts. According to Intertextualite theory, a text may be influenced by some previously written texts by other authors. Hyper-textualite includes “trigonometry” which refers to the possible differences between present text and previously written texts and “homogeneity” which refers to the similarities between present text and previously written texts and in some cases its imitation from the previous text. In order to conduct the present study Ab-Pariya TV series is implemented. Findings of the study are analyzed through using descriptive-analytical methods. The

study utilizes the library and electronic resources as well in order to analyze the collected data. After careful analysis, it became clear that the most significant myth that was depicted in this TV series is the myth of water. In this TV series, Ab-Pary undertakes the duty of water protection. In mythology, this character is equal to the Goddess of water (Anahita) and (Amshaspand) Khordad. Among other Pary character in this series are Sabz-Pary and Abr-Pary. Sabz-Pary is symbol of Amshaspandan such as Sepandarmaz and Amordad. Abr-Pary is symbol of Tishtar. In addition, Barf-Pary is another Pary character that appears in this series. She is symbol of Nane-Sarma who is a legendary character as well. Stylistic translation has been influenced by media change, and Thematic translation has occurred in the evolution of Pary’s personality and his interaction with man. The reductions have been in the myths of creation and in the degree of divinity of the gods and Amish Spas, which are plotted in fairy tales and legends, but the resonances are more in line with the serial goal (emphasizing the importance of preserving the environment, especially water) and adding Nature related characters to the storyline. The function of mythology has also been modified. This change is clear in cases such as a change of religious function to non-religious roles, change in function of time and place, change in function of the Pary.

Keywords

Fairy, Ab-Pariya TV Series, Stylistic Translate, Thematic Translate, Reduction, Resonance.

*This article is extracted from the second author’s master thesis, entitled: “Study of the reflection of myth and legend in the series Ab-Pariya” under supervision of first author and third autor as advisor in Faculty of Literature and Humanities, Birjand University.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912) 6492293, Fax: (+98-56) 6492293, E-mail: hd_noruzi@birjand.ac.ir